

تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد: نرخ سود بانکی و مالیات در ایران

محمد نصرافهانی*، مهدی قائمی اصل، فائزه علی‌اکبری

گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: اقتصاد حوزه موضوعی: ایران	هدف از این مقاله بررسی تأثیر ابزارهای سیاست پولی و مالی بر توزیع درآمد، به‌ویژه در ایران، است. سه متغیر کلیدی برای این منظور در نظر گرفته شد: درآمد مالیاتی به‌عنوان شاخص سیاست مالی، نرخ سود سپرده بانکی به‌عنوان شاخص سیاست پولی، و ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد. در این پژوهش، ضریب جینی به‌عنوان متغیر وابسته تحلیل شده است. برای پاسخ به سؤال‌های تحقیق و دستیابی به اهداف پژوهش، از مدل خودرگرسیون برداری (VAR) و داده‌های سری زمانی بانک مرکزی ایران (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ش) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین درآمد مالیاتی و ضریب جینی یک‌به‌یک نیست و افزایش درآمد مالیاتی تأثیر مثبت و مستقیمی بر ضریب جینی دارد که در بازتوزیع درآمد مؤثر است. از سوی دیگر، درصد سود سپرده بانکی بر نابرابری درآمد تأثیر چندانی ندارد و تغییرات آن به‌طور معناداری در کاهش یا افزایش نابرابری درآمدی مؤثر نیست. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سیاست‌های مالی، در مقایسه با سیاست‌های پولی، در ایران تأثیرگذارتر است. در بسیاری از کشورها، این مسئله به چالش‌هایی نظیر استقلال بانک مرکزی مرتبط است، اما در ایران، وابستگی به نوسان‌های درآمدهای نفتی موجب شده است سیاست‌های مالی انبساطی ترجیح داده شود. در نهایت، ضعف ابزارهای پولی، به‌ویژه تغییرات درصد سود، در ایجاد تغییرات معنادار در توزیع درآمد در ایران مشهود است که بررسی و اصلاح‌های جدی در سیاست‌گذاری پولی کشور ضروری است.

واژگان کلیدی:

ابزار سیاست پولی و مالی،
توزیع درآمد،
درآمد مالیاتی،
درصد (نرخ) سود بانکی.

ارجاع به این مقاله: نصرافهانی م، قائمی اصل م، علی‌اکبری ف. (۱۴۰۴). «تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد: نرخ سود بانکی و مالیات در ایران». *مطالعات کشورها*. ۳(۲): ۴۰۵-۴۲۸. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.382224.1213>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

<https://orcid.org/0000-0002-0161-> mnasr@khu.ac.ir

* نویسنده مسئول:

9222

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، اقتصاد ایران - به دلیل چالش‌های متعددی از جمله نوسان‌های اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های متغیر - تحت فشارهای قابل توجهی قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های اقتصادی، دستیابی به توزیع عادلانه درآمد و کاهش شکاف طبقاتی است که همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران قرار داشته است. در این میان، سیاست‌های پولی و مالی ابزارهایی کلیدی برای تنظیم اقتصاد کلان و تأثیرگذاری بر شاخص‌هایی همچون ضریب جینی، نقشی بنیادین ایفا می‌کند.

موضوع تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران اهمیت زیادی دارد، زیرا سیاست‌های اتخاذ شده در این حوزه ممکن است مستقیم بر نابرابری درآمدی و به تبع آن بر رفاه اجتماعی تأثیر بگذارد. در کشوری مانند ایران که با چالش‌های اقتصادی و تورم شدید روبه‌روست، تحلیل این سیاست‌ها ممکن است راه‌حل‌هایی را برای بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری‌ها پیش کشد. این موضوع همچنین، در توسعه پایدار اقتصادی و عدالت اجتماعی نقشی اساسی ایفا می‌کند.

در این پژوهش، تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد در ایران، با تأکید بر متغیرهایی همچون درصد سود بانکی و درآمد مالیاتی، بررسی شده است. در این راستا، از مدل خودرگرسیون برداری (VAR)^۱ برای ارزیابی تأثیر این سیاست‌ها بر ضریب جینی استفاده شده است. تحلیل این روابط نه تنها به فهم بهتر کارکرد سیاست‌های اقتصادی در ایران کمک می‌کند، بلکه راهنمایی برای سیاست‌گذاران در جهت بهبود عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها فراهم می‌آورد. تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نیز بر سیاست‌های پولی و مالی کشور آثار گسترده‌ای داشته است. این تحریم‌ها با محدود کردن منابع ارزی و کاهش درآمدهای نفتی، فشارهای مضاعفی بر ساختار اقتصادی وارد کرده و بانک مرکزی را به استفاده از ابزارهایی همچون تغییرات درصد سود سوق داده است. در عین حال، ابزارهای مالیاتی نیز در این شرایط یکی از منابع پلیدار تأمین مالی دولت محسوب می‌شود و اهمیت بیشتری می‌یابد.

سیاست‌های پولی و مالی و اقتصاد اسلامی در ایران هم‌راستا با یکدیگر به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک خواهد کرد. این سیاست‌ها نه تنها باید با

1. Vector Autoregressive

شرایط خاص اقتصادی ایران هماهنگ شود، بلکه باید توجه ویژه‌ای به اصول اقتصاد اسلامی شود تا هم‌زمان با حفظ اصول اسلامی، رشد اقتصادی پایدار و عادلانه در کشور تحقق یابد.

اقتصاد اسلامی در توزیع درآمد اهمیت زیادی دارد، زیرا بر پایه اصولی مانند عدالت اجتماعی، جلوگیری از فساد اقتصادی و ربا استوار است. در چنین نظامی تأکید می‌شود که منابع باید به‌طور منصفانه میان افراد جامعه تقسیم شود و سیاست‌های اقتصادی باید به کاهش فقر و نابرابری درآمدی کمک کند. بر اساس این اصول، توزیع عادلانه منابع و ثروت در اقتصاد اسلامی هدف اصلی است که به کاهش نابرابری‌ها و تحقق توسعه پایدار کمک می‌کند.

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با بررسی جامع این ابزارها، میزان اثربخشی آن‌ها در دستیابی به توزیع عادلانه‌تر درآمد و کاهش نابرابری‌ها در ایران ارزیابی شود.

سیاست پولی، یکی از ابزارهای کلان اقتصادی است که باید بانک مرکزی برای دستیابی به اهدافی چون ثبات قیمت‌ها، رشد اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی و توزیع عادلانه درآمد به کار گیرد. ثبات قیمت‌ها پیش‌نیاز رشد اقتصادی پایدار است و منافع قابل توجهی را در راستای بهبود رفاه جامعه فراهم می‌کند. برای مهار تورم، سیاست پولی نیازمند سازوکاری به نام «انتقال سیاست پولی» است. این سازوکار مسیری است که سیاست پولی را به اقتصاد واقعی مرتبط می‌کند. به عبارت ساده‌تر، سازوکار انتقال سیاست پولی نحوه ارتباط بخش پولی را با بخش واقعی اقتصاد نشان می‌دهد (Soemitra et al., 2021).

از دیدگاه نظری، انگیزه‌های سیاست پولی از طریق مسیرهایی همچون درصد بهره، اعتبار، نرخ ارز و قیمت دارایی‌ها، به بخش واقعی اقتصاد منتقل می‌شود. این مسیرها در شکل‌دهی اجزای تقاضای کل و تسهیل فرایند انتقال سیاست پولی نقش مهمی دارند (Iddrisu & Alagidede, 2020). با این حال، با استفاده از چارچوب‌های نظری عملکرد این کانال‌ها می‌توان نشان داد که میان سیاست پولی و اقتصاد واقعی رابطه مستقیمی وجود ندارد.

به‌طور مثال، در روند درصد بهره، تغییرات سیاست پولی نخست به تغییر درصد بهره می‌انجامد. در ادامه، تأثیر خود را از طریق تغییرات در سرمایه‌گذاری بر تولید کل یا درصد تورم اعمال می‌کند. همین الگوی انتقال در سایر روندهای سیاست پولی نیز صادق است. تأثیر سیاست پولی بر متغیرهایی نظیر تولید یا

تورم، معمولاً غیرمستقیم است و از طریق واسطه‌های گوناگونی اتفاق می‌افتد. بنابراین، استناد به رابطه‌ای مستقیم میان سیاست پولی و بخش واقعی اقتصاد، همان‌گونه که در پیشینه پژوهش نیز بیان شده است، ممکن است به بروز ابهام‌هایی در درک پویایی‌های اساسی سازوکارهای انتقال سیاست پولی منجر شود (Kim & Lim, 2018).

عوامل پیشبرد این مقاله، در تمایز با سایر مقاله‌های مشابه، به شرح زیر است:

الف) موضوع و نوآوری تحقیق. در این مقاله با تمرکز بر تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد، به‌ویژه در ایران، به‌طور خاص و با توجه به شرایط اقتصادی ویژه این کشور (وابستگی به نفت و نوسان‌های درآمدهای نفتی) موضوع در خور توجهی بررسی شده است. این موضوع، به‌ویژه در مقایسه با مقاله‌هایی درباره مسائل مشابه در کشورهای دیگر، مزیت‌هایی از نظر خاص بودن و مرتبط بودن با شرایط خاص ایران دارد.

ب) استفاده از داده‌های معتبر و روش‌شناسی قوی. انتخاب مدل خودرگرسیون برداری (VAR)^۱ و استفاده از داده‌های سری زمانی بانک مرکزی ایران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ش نقطه قوت بزرگی است، زیرا این مدل برای تحلیل روابط بلندمدت بین متغیرها، به‌ویژه در شرایطی نوسانی مانند شرایط ایران، بسیار مناسب است. این انتخاب، به‌ویژه در مقایسه با مقاله‌هایی که در آن به مدل‌های ساده‌تری مانند رگرسیون خطی بسنده شده است، به مقاله اعتبار علمی بیشتری می‌دهد.

پ) نتایج و تحلیل‌ها. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده تأثیر قوی‌تر سیاست‌های مالی، در مقایسه با سیاست‌های پولی، در ایران است. این نکته یکی از جنبه‌های برجسته این مقاله است، زیرا در بسیاری از دیگر مقاله‌ها ممکن است به تأثیر سیاست‌های مالی و نحوه وابستگی به درآمدهای نفتی در کشورهای در حال توسعه، مانند ایران، توجه کمتری شده باشد.

ت) رابطه با سایر مقاله‌های مشابه. این مقاله، به‌ویژه با مقاله‌هایی درباره کشورهای توسعه‌یافته و بازارهای مالی پیشرفته، تفاوت‌هایی دارد. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌های پولی معمولاً در تأثیرگذاری بر نابرابری درآمد نقش برجسته‌تری دارد. اما، در ایران، به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی و

1. vector autoregression

نوسان‌های آن، سیاست‌های مالی و درآمدهای مالیاتی بیشتر به تغییرات در توزیع درآمد منجر می‌شود. این تفاوت باعث می‌شود که مقاله حاضر، در مقایسه با بسیاری از مقاله‌های مشابه درباره کشورهای توسعه‌یافته، منحصر به فرد باشد.

۲. پیشینه

برینلیچ و همکاران آثار مستقیم و معنادار تورم را بر افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده نشان دادند. بر اساس این یافته‌ها، از دهه ۱۹۸۰م تاکنون، بسیاری از اقتصادهای اروپای غربی با نابرابری ناشی از تورم مواجه شده‌اند، درحالی که در همین بازه زمانی، نابرابری در ایالات متحده با سرعت بیشتری رشد کرده است (Breinlich et al., 2019).

اثر بخشی سیاست پولی در تأثیرگذاری بر شرایط اقتصاد کلان، کنترل تورم، و کاهش آثار مخرب آن، موضوعی چالش‌برانگیز و با بحث گسترده در میان اقتصاددانان بوده است. به عبارت دیگر، تفاوت‌های ساختاری میان نظام‌های اقتصادی مختلف به شکل‌گیری دیدگاه‌های متنوعی درباره کارکرد و اهداف سیاست پولی منجر شده است.

در این راستا، سیاست پولی در اقتصاد اسلامی با سیاست پولی در نظام اقتصادی متعارف تفاوت‌های بنیادینی دارد. در منطق مدیریت پولی در اقتصاد اسلامی بر ایجاد ثبات در تقاضای پول برای اهداف سازنده و اصولی تأکید می‌شود. هدف اصلی در اسلام، نه تنها برقراری تعادل میان عرضه و تقاضای پول است، بلکه به تحقق عدالت و برابری، از طریق توزیع عادلانه ثروت و درآمد نیز توجه شده است (Mujahidin, 2019).

به عبارت دیگر، سیاست پولی با هدف هدایت اقتصاد کلان به سمت شرایط مطلوب‌تر و بهینه‌تر طراحی و اجرا می‌شود. دستیابی به این هدف از طریق شاخص‌های کلان اقتصادی- نظیر حفظ رشد اقتصادی، ثبات عمومی در قیمت‌ها، و کاهش درصد بیکاری- ارزیابی می‌شود. به طور کلی، هدف اصلی سیاست پولی ایجاد ثبات اقتصادی است.

موفقیت یا ناکامی سیاست‌های پولی به دو عامل کلیدی بستگی دارد (ibid):

۱. میزان استحکام یا ضعف رابطه میان سیاست پولی و فعالیت‌های اقتصادی،
۲. زمان‌بندی و مدت زمان تغییرات سیاست پولی به روند فعالیت‌های اقتصادی.

یکی از نکته‌های اساسی در سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، تأکید بر ضرورت احتیاط و دقت از سوی دولت‌ها در طراحی و اجرای این سیاست‌هاست. دولت‌ها باید تمامی جنبه‌ها و پیامدهای احتمالی را به دقت در نظر بگیرند و اقدام‌های خود را با ملاحظات لازم به گونه‌ای اتخاذ کنند که به آثار توزیعی سیاست‌ها نیز توجه شود.

به عبارت دیگر، سیاست پولی در اقتصاد اسلامی باید در راستای تحقق عدالت اقتصادی باشد. عدالت اقتصادی در اسلام به معنای برقراری برابری، اعطای حقوق هر فرد به اندازه شایستگی و استحقاق او و ایجاد توازن در جامعه است. این توازن، در سطح زندگی و دسترسی افراد به منابع ثروت و درآمد، باید به گونه‌ای باشد که با مقتضیات زمان و نیازهای روز جامعه همخوانی داشته باشد (رجائی و همکاران، ۱۳۹۹).

افزایش مخارج دولت، مالیات‌های مستقیم و ذخایر قانونی بانک‌ها در بانک مرکزی باعث می‌شود ضریب جینی کاهش یابد، درحالی‌که افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ضریب جینی را افزایش می‌دهد. اثر مخارج دولت بر توزیع درآمد از سایر عوامل بیشتر است (شرافت جهرمی و نگین‌تاجی، ۱۳۸۹).

سیاست‌های پولی انقباضی مانند افزایش درصد بهره، به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند و به بهبود توزیع درآمد منجر می‌شود. از طرف دیگر، سیاست‌های پولی انبساطی و منجر به افزایش تورم، نابرابری را تشدید می‌کند. بنابراین، به کارگیری سیاست‌های پولی متوازن و هدفمند برای کنترل تورم و حمایت از طبقات کم‌درآمد توصیه می‌شود (تدین و شریفی‌رنانی، ۱۴۰۲).

سیاست مالی، در واقع بخشی از سیاست‌های مدیریت تقاضاست که اجرای آن را دولت‌ها بر عهده دارند. استفاده مناسب و کارآمد دولت‌ها از ابزارهای سیاست مالی، به مثابه یکی از بازوهای اقتصادی، در تشکیل سرمایه، تجهیز منابع، رشد و ثبات اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، سیاست مالی از طریق ایجاد رشد اقتصادی، بر کاهش توزیع نابرابر درآمد اثرگذار است (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

توزیع عادلانه و برابر درآمد یا همان عدالت اقتصادی، در کنار اهدافی مانند کاهش درصد تورم، دستیابی به رشد اقتصادی، و کاهش میزان بیکاری، همواره از مباحث مهم و اساسی و مورد توجه دولت‌ها در تدوین و اجرای سیاست‌های مالی بوده است.

در این راستا، دولت‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع سیاست مالی، از جمله مالیاتگذاری بر ثروت، تلاش می‌کنند تا آثار منفی تورم ناشی از سیاست‌های پولی را کاهش دهند، نابرابری درآمد را بهبود بخشند، و درآمد را مجدد بازتوزیع کنند. این اقدام‌ها، به گونه‌ای طراحی می‌شود که شکاف طبقاتی میان فقرا و ثروتمندان کاهش یابد و تفاوت در سطح رفاه و درآمد میان این اقشار به شکل قابل توجهی تعدیل شود (ملاسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۱).

در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، سطح پایین درآمد سرانه و شکاف گسترده درآمدی، از جمله مسائل بنیادین و چالش‌های اساسی، به شمار می‌رود که همواره سیاستگذاران اقتصادی بدان توجه داشته‌اند. به عبارت دیگر، این پرسش مطرح است که آیا باید نابرابری در توزیع درآمد را امری اجتناب‌ناپذیر در مسیر تسریع رشد اقتصادی پذیرفت؟ یا اینکه با استفاده از ابزارهای سیاست مالی مبتنی بر بهبود توزیع عادلانه درآمد، شکاف اقتصادی در جامعه را کاهش داد، حتی اگر این امر به کند شدن رشد اقتصادی منجر شود؟ این مسئله یکی از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران اقتصادی در ایران بوده است.

سیاستگذاری‌ها در نظام مالی، به منظور حمایت از اقشار کم‌درآمد، در شرایط نابرابری شدید درآمدی انجام می‌شود و معمولاً بر انبساط عرضه اعتباردهی تأثیر دارد. از سوی دیگر، در جوامعی با نابرابری شدید درآمد، افراد برای بهبود شرایط زندگی و هم‌تراز کردن وضعیت اقتصادی خود با دیگران، به استفاده از تسهیلات اعتباری و دریافت وام روی می‌آورند. بنابراین، نابرابری یا عدم توزیع عادلانه درآمد، رابطه میان درآمد سرانه و بدهی را نیز دستخوش تغییر می‌کند (برخورداری و همکاران، ۱۳۹۷).

برخلاف نظریه‌های مطرح شده از سوی اقتصاددانان سنتی نظیر پارتو (۱۹۸۷) و کوزنتس (۱۹۵۵)، که معتقدند تسریع رشد اقتصادی مستلزم تشدید توزیع نابرابر درآمدی است، در اقتصاد اسلامی تأکید بر توزیع مناسب و عادلانه درآمد است و یکی از ابعاد اصلی عدالت اجتماعی معرفی می‌شود. از دیدگاه اقتصاد اسلامی، آنچه بیش از تسریع رشد اقتصادی اهمیت دارد، توسعه‌ای است که بر مبنای توزیع مجدد منابع شکل گیرد. در واقع، رشد اقتصادی از منظر اسلام، تنها در چارچوب تفکر توزیعی و عدالت‌محور معنا و مفهوم خواهد داشت (ابراهیمی سالاری، ۱۳۸۷).

ملاسماعیلی دهشیری و همکاران (۱۴۰۱) به این نکته اشاره کردند که

عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد در کنار مباحث مهمی چون رشد و توسعه اقتصادی، کاهش درصد تورم و بیکاری، همواره دغدغه غالب اقتصاددانان بوده است. توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری درآمدی در جامعه، همچنین شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی به منظور سیاستگذاری صحیح، امری ضروری و بدیهی است. بنابراین، ملاسمعیلی دهشیری و همکاران (۱۴۰۱) به تحلیل آثار سیاست مالی (با تأکید بر مالیات بر مجموع درآمد) بر توزیع درآمد کشورهای منتخب OECD^۱ پرداختند. در همین راستا، تأثیر مالیات بر مجموع درآمد و ضریب جینی با استفاده از مدل رگرسیون مبتنی بر داده‌های پانلی^۲ برای کشورهای منتخب بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵م بررسی شد. نتایج نشان داد که شاخص تورم و شاخص بیکاری اثر منفی و شاخص مالیات بر مجموع درآمد و بهبود توزیع درآمد کشورهای منتخب اثر مثبت دارد.

رحمت اکبر، زنیال و مارتین دیدگاه متون اقتصاد اسلامی را در خصوص سیاست‌های مالی و پولی بررسی کردند. سیاست پولی، که با اجرای نظام بانکی دوگانه مرتبط است، تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌های کلان اقتصادی خواهد داشت. در این میان، در سیاست مالی، ابزار مخارج دولت بر مالیات منبع اصلی درآمد محسوب می‌شود، درحالی‌که در دیدگاه اسلامی، زکات منبع اصلی درآمد دولت در نظر گرفته می‌شود. در این مطالعه، با استفاده از رویکرد کیفی و آمار توصیفی، مقاله‌های منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱م بررسی شده است. نتایج تجزیه و تحلیل ۲۰ مقاله و تحقیق مرتبط با آمیخته سیاست پولی و مالی در اقتصاد از دیدگاه شرعی نشان داد که در اسلام، سیاست‌های پولی و مالی برای رفاه کشور حیاتی است و حمایت دولت در قالب این سیاست‌ها جایگزینی برای ایجاد رفاه ملی در نظر گرفته می‌شود (Rahmat Akbar et al., 2021).

پیچای (۲۰۲۲) ابزارهای مختلفی را بررسی کرد که بانک‌های مرکزی برای تنظیم اقتصاد هر کشور استفاده می‌کنند، همچنین، تغییرات مورد نیاز بانک مرکزی را برای ایجاد نظام اقتصادی منطبق با شریعت با دیدگاه مدیریت نقدینگی بررسی کرد. از آنجاکه نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر شریعت است، اجازه معامله با ربا و استفاده از نظام ۱۰۰ درصد ذخیره را نمی‌دهد. در این پژوهش، از منابع کتابخانه‌ای شامل مقاله و کتاب برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده

1. Organisation for Economic Co-operation and Development

2. Panel Data

شده است. این مطالعه، درباره مؤسسات مالی اسلامی و متعارف در کشورهای مالزی، بحرین، ایران، سودان و پاکستان انجام شد. یافته‌ها نشان داد که طبق بررسی متون تطبیقی سیاست پولی اسلامی و متعارف، بسیاری از ابزارهای سیاست پولی را می‌توان بدون تغییرات زیادی در سیاست پولی اسلامی به کار گرفت. با این حال، ایجاد چارچوب‌های محکم برای سیاست پولی در کشورهای دارای بانک‌های اسلامی نیازمند تحقیق و تحلیل گسترده‌تر است.

غفاری فرد و میرزایی (۱۴۰۰) اتفاق را یکی از ابزارهای بنیادین اسلام برای فقرزدایی و تحقق عدالت می‌دانند. در پژوهش آن‌ها نقش اتفاق در توزیع درآمد بین ۳۱ استان ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ش بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان داد در استان‌های مطالعه‌شده، شاخص اتفاق تأثیر کاهشی و معناداری بر ضریب جینی (معیار نابرابری درآمد) داشته است، به گونه‌ای که با ۱ درصد افزایش در شاخص اتفاق، نابرابری درآمدها به ترتیب ۰/۰۱۱۱۵ و ۰/۰۰۶۵ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، افزایش درصد بیکاری، نابرابری را افزایش و افزایش بهره‌وری نیروی کار، نابرابری را کاهش می‌دهد. در این یافته‌ها، بر اهمیت نقش اتفاق در کاهش نابرابری درآمدها و افزایش عدالت اجتماعی تأکید شده است. سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ نیز نخست نابرابری را افزایش، سپس، در مراحل بعدی رشد، نابرابری بین استان‌های ایران را کاهش داده است که حکایت از تأیید فرضیه کوزنتس در ایران دارد. بنابراین، مسئولان اقتصادی برای کاهش نابرابری درآمدی در مناطق مختلف کشور، علاوه بر سیاستگذاری در عرصه رونق اقتصادی و افزایش بهره‌وری نیروی کار، باید اقدام‌هایی در خصوص افزایش اتفاق نیز انجام دهند.

جعفری، عمادی و رمضانپور (۱۴۰۰) به این نکته اشاره کرده‌اند که سیاست‌های مناسب مالی و پولی از مسیرهای مختلف بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد و این رابطه هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم در مطالعات تجربی متعدد تأیید شده است. اجرای سیاست‌های نامناسب مالی و پولی آثار زیانبار جبرانی‌نشدنی بر نابرابری‌های درآمدی به دنبال دارد. تعیین مسیر سازگار برای ترکیب سیاست‌های مالی و پولی، آثار خارجی و ناسازگار ناشی از اجرای سیاست‌های پولی و مالی را بر نابرابری درآمد به حداقل می‌رساند. بنابراین، طراحی و اجرای سیاست‌های پولی و مالی سازگار در کاهش نابرابری درآمد ضروری به نظر

1. Gross Domestic Product

می‌رسد. لذا، این پژوهشگران در مطالعه خود به بررسی تأثیر هم‌زمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۶ش با استفاده از روش الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده ARDL^۱ پرداختند. نتایج حاصل نشان داد که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، چنانچه میزان حجم پول، درصد تورم، درصد سود سپرده‌های مدت‌دار، درصد ارز و مخارج دولت افزایش یابد، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و افزایش درآمدهای مالیاتی نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد.

شمس‌اللهی و همکاران (۱۴۰۰) نابرابری توزیع درآمد را یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع بشری معرفی کردند و به بررسی تأثیر آن بر مخارج آموزشی دولت در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. به عقیده این پژوهشگران، یکی از وظایف اصلی اقتصادی دولت‌ها، کاهش نابرابری توزیع درآمد است و دولت‌ها می‌توانند این مشکل را از طریق به‌کارگیری روش‌های نظری و عملی کاهش دهند. یکی از ابزارهای کاهش نابرابری توزیع درآمد، افزایش مخارج آموزشی دولت است. در این راستا، در این پژوهش با استفاده از ARDL اثر بلندمدت نابرابری توزیع درآمد و مخارج آموزشی دولت در دوره زمانی ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۸ش تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش ۱ درصد در تولید ناخالص داخلی، نسبت مخارج آموزشی دولت به تولید ناخالص داخلی ۷۹/۳ درصد افزایش می‌یابد و با افزایش یک واحد در شاخص نابرابری توزیع درآمد (ضریب جینی)، نسبت مخارج آموزشی دولت به تولید ناخالص داخلی ۵۸/۸ درصد افزایش پیدا کرده است. این نتایج شاهدی بر تأثیر فشارهای سیاسی در توزیع مجدد درآمد بر سیاست‌های مخارج آموزشی دولت در ایران است.

مجاهدین تفاوت‌های دیدگاه سیاست پولی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی را تشریح کرد. در این مطالعه با استفاده از رویکرد نفی، نتیجه گرفت که سیاست پولی اسلامی نظام اقتصادی مقاوم‌تری در برابر بحران‌های پولی است، چراکه در نظام پولی اسلامی از نظام درصد بهره استفاده نمی‌شود؛ به این ترتیب، قیمت‌ها تثبیت و، در مقایسه با نظام پولی متعارف، تورم کنترل می‌شود. در اقتصاد اسلامی، علاوه بر تأکید بر تعادل بین تقاضا و عرضه پول، توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه دنبال می‌شود؛ در حالی که در بعد مدیریت اقتصاد اسلامی، تفاوت‌های قابل توجهی با نظام‌های متعارف وجود دارد. در این نظام،

1. Auto Regressive Distributed Lag

به طور غیرمستقیم، جلوی آثار نامطلوب نظام بهره و بحران های پولی گرفته می شود. در مجموع، اجرای سیاست پولی اسلامی از تهدید بحران های پولی جلوگیری می کند یا آن را کاهش می دهد (Mujahidin, 2019).

شهبازی قیاسی و همکاران (۱۳۹۷) مبانی نظری سیاست پولی و آموزه های اقتصاد اسلامی را با تکیه بر نظریه مبادله تحلیل کردند و به گسترش نظریه سیاست پولی اسلامی در زمینه اهداف نهایی آن پرداختند. سه هدف اصلی این سیاست ها عبارت است از کنترل تورم، هدایت و تخصیص بهینه پول، و تثبیت بخش واقعی اقتصاد. در حالت تعادل، این اهداف به طور کامل تحقق پذیر است، چراکه بین این سه هدف تعارض نظری وجود ندارد و به دنبال تثبیت و ایجاد زمینه رشد اقتصادی است. با این حال، در شرایط خاص یا ناعدالی در اقتصاد، که ممکن است ناشی از تحقق یکی از اهداف دیگر باشد، باید سیاست پولی بر اساس معیارهای منافع ترجیحی، تأثیر سیاست بر عموم مردم، میزان تأثیر سیاست، همچنین ماهیت مثبت یا منفی سیاست تعیین شود.

رجائی، فراهانی فرد و مختاربند (۱۳۹۹) به تحلیل نظری ابزارهای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا و تأثیر آن بر توزیع درآمد پرداخته اند. در این مقاله، سیاست پولی به مجموعه تدابیر و تصمیم هایی اطلاق می شود که سیاستگذار در راستای تحقق اهداف اقتصادی، برای کنترل و تنظیم عرضه پول و اعتبار اتخاذ می کند. نوع سیاست و ابزار سیاست پولی دولت اسلامی باید در جهت ایجاد توازن در سطح زندگی، درآمد و ثروت در جامعه باشد و از هرگونه سیاست پولی منتهی به شکاف های فاحش در این سطوح پرهیز شود. فرضیه در این مقاله این است که سیاست پولی مطابق با اصول اقتصاد اسلامی، از طریق عواملی مانند سرمایه گذاری، اشتغال، تورم، رشد تولید ناخالص ملی و تقاضای کل اقتصاد، عدالت توزیعی را در جامعه بهبود می بخشد و آن را به سمت توازن هدایت می کند.

۳. روش شناسی

در این مقاله، متغیرهای بررسی شده به شرح زیر است:

TAX: درآمد مالیاتی،

RATE: درصد سود سپرده بلندمدت،

GINI: شاخص پراکندگی درآمد (ضریب جینی).

۱.۳. مراحل تحلیل و روش‌شناسی

الف) آزمون مانایی متغیرها. برای بررسی مانایی داده‌ها، از آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF)^۱ استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که متغیرها در سطح معناداری ۰/۰۵ ایستا (مانا) هستند؛ به این معنا که تغییرات زمانی آن‌ها به عدم تغییر در روند یا نوسان‌های بلندمدت منجر می‌شود.

ب) تعیین وقفه‌های بهینه. برای تحلیل پویایی روابط بین متغیرها، نخست، وقفه‌های بهینه در هر معادله تعیین شد. پس از اجرای آزمون‌ها و بررسی‌های لازم، نتایج به شرح زیر به دست آمد:

- برای معادله درآمد مالیاتی (TAX) و ضریب جینی (GINI)، وقفه ششم وقفه بهینه انتخاب شد.

- برای معادله ضریب جینی (GINI) و نرخ سود سپرده بلندمدت (RATE)، وقفه چهارم وقفه بهینه انتخاب شد.

این نتایج نشان‌دهنده این است که آثار متغیرها بر یکدیگر در طول زمان تأخیر دارد، به طوری که برای درآمد مالیاتی و ضریب جینی، آثار در شش دوره زمانی مشاهده می‌شود؛ و برای ضریب جینی و درصد سود سپرده، آثار در چهار دوره زمانی نمود پیدا می‌کند.

این تحلیل به منظور درک بهتر نحوه تعامل و ارتباط میان سیاست‌های پولی (درصد سود سپرده بلندمدت)، نابرابری درآمد (ضریب جینی) و درآمد مالیاتی صورت گرفت و به کمک این وقفه‌ها می‌توان نتایج دقیق‌تری از روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت استخراج کرد.

پایداری متغیرها با استفاده از آزمون Root Of Characteristic Polynomial بررسی شد و مشخص شد که قدرمطلق ریشه‌ها کمتر از ۱ و شرط پایداری برقرار است.

در ادامه، خودهم‌بستگی با استفاده از آزمون LM Test بررسی شد و نتایج نشان داد که در سطح معناداری ۰/۰۵ این معادله‌ها خودهم‌بستگی ندارد.

واریانس ناهمسانی متغیرها با کمک آزمون وایت در حالت No Cross Terms بررسی شد و نتایج نشان داد که در سطح معناداری ۰/۰۵، واریانس ناهمسانی بین این معادله‌ها وجود ندارد.

1. Augmented Dickey Fuller

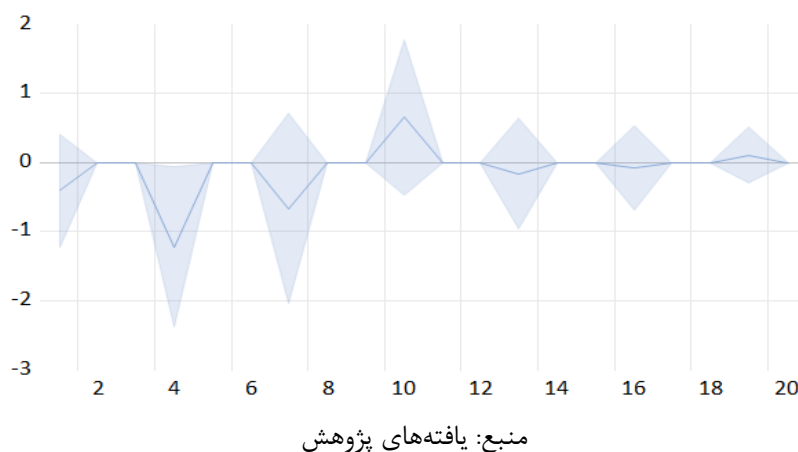
آزمون نرمالیتی لوتکپول برای داده‌ها استفاده شد و مجدد در سطح معناداری ۰/۰۵، پسماندهای متغیرهای ضریب جینی و درآمد مالیاتی، همچنین ضریب جینی و درصد سود نرمال بود. با توجه به اینکه داده‌های این مقاله شروط مانایی، پایداری، خودهمبستگی، واریانس ناهمسانی و نرمال بودن را داراست، در ادامه توابع واکنش ضربه‌ای و تجزیه واریانس بررسی می‌شود.

۴. یافته‌ها

۱.۴. توابع واکنش ضربه‌ای

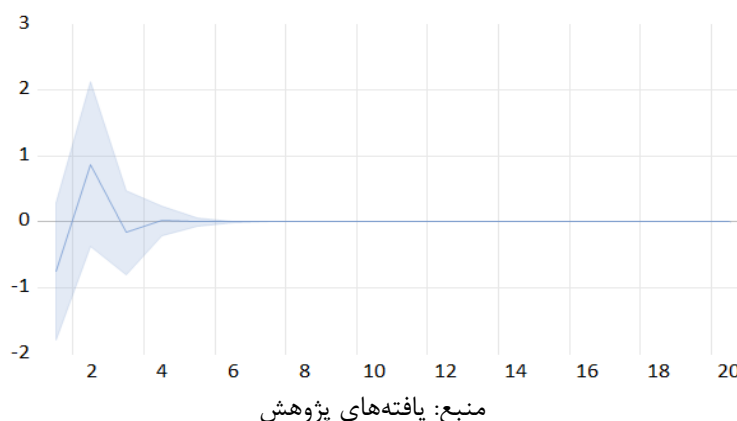
توابع واکنش ضربه‌ای با استفاده از نمودار بررسی می‌شود تا تأثیر شوک وارد شده بر یک متغیر بر متغیرهای دیگر مشخص شود. روش به کاررفته، روش Generalized Impulse است که از یافته‌های تحقیقات پساران و شین اقتباس شده است (Pesaran & Shin, 1998). این روش به ترتیب متغیرها حساس نیست، که همین ویژگی آن را برای تحلیل‌های دقیق تر و کاربرد گسترده تر مناسب می‌سازد.

بر اساس شکل ۱، در بیست دوره، شوک وارد شده به درآمد مالیاتی بلافاصله باعث واکنش سریع ضریب جینی می‌شود. این واکنش، متناسب با الگوی سینوسی رشد درآمد مالیاتی، به صورت سینوسی بر ضریب جینی تأثیر می‌گذارد.



شکل ۱. پاسخ شوک درآمد مالیاتی به ضریب جینی

بر اساس شکل ۲، در بیست دوره، شوک واردشده به درصد سود باعث افزایش اولیه ضریب جینی در کوتاه‌مدت می‌شود. پس از آن، ضریب جینی کاهش می‌یابد و درنهایت به سمت صفر میل می‌کند.



شکل ۲. پاسخ شوک درصد سود به ضریب جینی

۲.۴. تجزیه واریانس

تجزیه واریانس اطلاعات ارزشمندی به‌دست می‌دهد. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان مشخص کرد که هر متغیر تحت تأثیر شوک واردشده چه تأثیری بر متغیر مقابل می‌گذارد. به بیان دیگر، این تحلیل نشان می‌دهد چه مقدار از تغییرات هر متغیر به خود آن و چه مقدار به سایر متغیرها وابسته است.

نتایج حاصل از تجزیه واریانس درآمد مالیاتی بر ضریب جینی نشان داد که هر شوک وارده به درآمد مالیاتی بلافاصله بر ضریب جینی تأثیر می‌گذارد. از آنجاکه هر دو متغیر درون‌زا هستند، تعیین درصد بهینه برای مالیات در این مدل درون‌زا به توزیع عادلانه‌تر درآمد کمک می‌کند (جدول ۱).

با توجه به مدل انتخابی و پارامترهای موجود، اثر مالیات بر توزیع درآمد مثبت بوده است. بنابراین، سیاست‌های مالی دولت بر توزیع مجدد درآمد و کاهش نابرابری تأثیرگذار است. پرداخت مالیات ممکن است قدرت خرید برخی افراد را کاهش دهد که هدف دولت نیز همین خواهد بود. در مقبل، دولت با استفاده از درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری‌شده و پرداخت‌های انتقالی خود می‌تواند درآمد اقشار کم‌درآمد جامعه را افزایش دهد. این سیاست مالی، از طریق کمک به مخارج انتقالی دولت، سودهایی برای افراد کم‌درآمد به همراه دارد.

جدول ۱. آزمون واریانس درآمد مالیاتی و ضریب جینی

دوره	S.E.	TAX	GINI
۱	۱۷/۰۷۹۲۸	۶/۱۳۹۵۲۸	۹۳/۸۶۰۴۷
۲	۱۷/۰۷۹۲۸	۶/۱۳۹۵۲۸	۹۳/۸۶۰۴۷
۳	۱۷/۰۷۹۲۸	۶/۱۳۹۵۲۸	۹۳/۸۶۰۴۷
۴	۱۷/۲۶۶۴۳	۳۵/۸۴۱۳۲	۶۴/۱۵۸۶۸
۵	۱۷/۲۶۶۴۳	۳۵/۸۴۱۳۲	۶۴/۱۵۸۶۸
۶	۱۷/۲۶۶۴۳	۳۵/۸۴۱۳۲	۶۴/۱۵۸۶۸
۷	۱۷/۳۷۰۲۲	۴۱/۰۷۴۴۷	۵۸/۹۲۵۵۳
۸	۱۷/۳۷۰۲۲	۴۱/۰۷۴۴۷	۵۸/۹۲۵۵۳
۹	۱۷/۳۷۰۲۲	۴۱/۰۷۴۴۷	۵۸/۹۲۵۵۳
۱۰	۱۷/۴۱۹۵۷	۴۵/۵۳۳۱۱	۵۴/۴۶۶۸۹
۱۱	۱۷/۴۱۹۵۷	۴۵/۵۳۳۱۱	۵۴/۴۶۶۸۹
۱۲	۱۷/۴۱۹۵۷	۴۵/۵۳۳۱۱	۵۴/۴۶۶۸۹
۱۳	۱۷/۴۴۱۰۹	۴۵/۵۶۶۸۶	۵۴/۴۳۳۱۴
۱۴	۱۷/۴۴۱۰۹	۴۵/۵۶۶۸۶	۵۴/۴۳۳۱۴
۱۵	۱۷/۴۴۱۰۹	۴۵/۵۶۶۸۶	۵۴/۴۳۳۱۴
۱۶	۱۷/۴۴۳۲۰	۴۵/۵۵۹۹۲	۵۴/۴۴۰۰۸
۱۷	۱۷/۴۴۳۲۰	۴۵/۵۵۹۹۲	۵۴/۴۴۰۰۸
۱۸	۱۷/۴۴۳۲۰	۴۵/۵۵۹۹۲	۵۴/۴۴۰۰۸
۱۹	۱۷/۴۴۵۱۴	۴۵/۶۷۳۳۰	۵۴/۳۲۶۷۰
۲۰	۱۷/۴۴۵۱۴	۴۵/۶۷۳۳۰	۵۴/۳۲۶۷۰

منبع: یافته‌های پژوهش

از طرفی، بار مالیاتی بر افراد پردرآمد تحمیل می‌کند. بررسی هم‌زمان منافع حاصل از مخارج مالیاتی و بار ناشی از آن موضوع پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

نتایج حاصل از تجزیه واریانس درصد سود نشان داد که تغییرات درصد سود همواره تأثیر ثابتی بر نابرابری درآمد داشته است، که این نشان‌دهنده آن است که تغییرات درصد سود بر ضریب جینی تأثیر خنثی دارد (جدول ۲).

جدول ۲. آزمون واریانس درصد سود و ضریب جینی

دوره	S.E.	RATE	GINI
۱	۱۴.۸۸۲۶۰	۹.۳۲۴۰۲۶	۹۰.۶۷۵۹۷
۲	۱۴.۹۰۶۴۷	۱۹.۲۵۹۷۵	۸۰.۷۴۰۲۵
۳	۱۴.۹۰۷۶۷	۱۹.۵۶۷۰۳	۸۰.۴۳۲۹۷
۴	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۵	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۶	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۷	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۸	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۹	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۰	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۱	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۲	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۳	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۴	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۵	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۶	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۷	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۸	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۱۹	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹
۲۰	۱۴.۹۰۷۷۴	۱۹.۵۶۹۹۱	۸۰.۴۳۰۰۹

منبع: یافته‌های پژوهش

۳.۴. استحکام‌سنجی نتایج

برای اطمینان از نتایج حاصل، داده‌های تحقیق در مدل Bayesian VAR بررسی شد. در این مدل، دو حالت مختلف بررسی می‌شود. در حالت نخست، بیشتر بر باورهای ذهنی محقق تأکید می‌شود. در حالت دوم، داده‌های تحقیق وزن‌دهی می‌شود.

روش Bayesian VAR با استفاده از رویکرد لیترمن / مینسوتا (Minnesota family) بر اساس این فرض به پیش می‌رود که $\sum \varepsilon$ معلوم است و جایگزینی آن در استخراج و محاسبه، سه روش برآوردگر دارد:

الف) AR تک‌متغیره. در این حالت $\sum \varepsilon$ محدود به ماتریس قطری است که عنصر سطر λ ام و ستون λ ام ماتریس $\sum \varepsilon$ است و با استفاده از روش OLS، واریانس AR متغیر λ ام آن محاسبه می‌شود.

ب) VAR کامل. در این حالت برای $\sum \varepsilon$ از تخمین‌های VAR سنتی

استفاده می شود.

پ) **VAR قطری**. در این حالت $\sum^e$ به ماتریس قطری مقید می شود و عناصر قطری ماتریس با استفاده از سیستم VAR کامل به دست می آید که فرض می شود عناصر غیرقطری برابر با صفر است.

در تحقیق پیش رو، تعداد مشاهدات کمی وجود دارد. Bayesian VAR این امکان را می دهد به باورهای ذهنی محقق تکیه یا داده های تحقیق در نظر شود. در مدل Bayesian VAR، زمانی که در تحقیق بیشتر به باورهای ذهنی محقق اهمیت داده می شود، λ_1 به سمت صفر نزدیک تر است و هرچه به ۱ نزدیک تر شود، به سمت داده ها حرکت می کند. با توجه به اینکه داده ها در VAR استاندارد قرار گرفت، در این مدل نیز به داده ها (یعنی نزدیک به عدد ۱) توجه می شود. اگر تصور شود که وقفه های خود متغیر توضیح دهندگی بیشتری نسبت به سایر وقفه های متغیرهای دیگر دارد، λ_2 به سمت ۱ انتخاب می شود. اگر با افزایش طول وقفه، تأثیر متغیر زمان حال کاهش یابد (یعنی، وزندهی ها برای طول وقفه های بیشتر کمتر باشد)، λ_3 مقداری بزرگ تر از ۱ انتخاب می شود. در هر دو مدل VAR استاندارد و Bayesian VAR، تعداد وقفه های بهینه تغییر نمی کند. تعداد وقفه بهینه برای درآمد مالیاتی ۶ و برای نرخ سود ۴ است (جدول ۳).

جدول ۳. مقایسه VAR استاندارد و Bayesian VAR در بررسی درآمد مالیاتی بر ضریب جینی

TAX(BVAR)	GINI(BVAR)	TAX(SVAR)	GINI(SVAR)	
۷/۳	۰/۵۵	۷/۸	۰/۴۱	GINI1
۴/۹	۰/۳۹	۵/۳	۰/۲۸	GINI2
۸/۱	۰/۲۹	۸/۴	۰/۴۴	GINI3
۶/۲	۰/۲۳	۶/۰۳	۰/۳۱	GINI4
۳/۵	۰/۱۸	۳/۶	۰/۱۹	GINI5
۴/۱	۰/۱۵	۴/۸	۰/۲۵	GINI6
۱/۲	۰/۰۹۵	۱/۵	۰/۰۸۲	TAX1
۰/۶	۰/۰۵۷	۰/۷	۰/۰۳۸	TAX2
۰/۴	۰/۰۴۲	۰/۶	۰/۰۳۳	TAX3
۰/۹	۰/۰۳۴	۱/۳	۰/۰۷۱	TAX4
۰/۷	۰/۰۲۷	۰/۹	۰/۰۴۹	TAX5
۱/۰۱	۰/۰۲۳	۱/۰۴	۰/۰۵۵	TAX6

منبع: یافته های پژوهش

باتوجه به مقایسه داده‌ها در دو مدل و اختلاف ناچیز بین داده‌ها، همان نتایج VAR استاندارد با Bayesian VAR تأیید می‌شود (جدول ۴).
باتوجه به مقایسه داده‌ها در دو مدل و اختلاف ناچیز بین داده‌ها، همان نتایج VAR استاندارد با Bayesian VAR تأیید می‌شود.

جدول ۴. مقایسه VAR استاندارد و Bayesian VAR در بررسی درصد سود بر ضریب جینی

RATE(BVAR)	GINI(BVAR)	RATE(SVAR)	GINI(SVAR)	
۲/۴	۰/۳۲	۲/۲۶	۰/۲۷	GINI1
۲/۰۳	۰/۲۷	۲/۰۳	۰/۲۴	GINI2
۱/۶۱	۰/۲۲	۱/۹۲	۰/۲۳	GINI3
۱/۴۸	۰/۲۰	۲/۲۶	۰/۲۷	GINI4
۰/۳۷	۰/۰۵	۰/۴۱	۰/۰۴	RATE1
۰/۳۰	۰/۰۴	۰/۳۱	۰/۰۳	RATE2
۰/۲۵	۰/۰۳	۰/۳۲	۰/۰۳	RATE3
۰/۲۰	۰/۰۲	۰/۳۱	۰/۰۳	RATE4

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر، با هدف بررسی تأثیر ابزارهای سیاست پولی و مالی بر توزیع درآمد در ایران، نتایج حاکی از آن است که روابط معنادار میان برخی متغیرهای کلیدی اقتصادی برقرار است. یافته‌ها نشان داد که سیاست‌های مالی، در مقایسه با سیاست‌های پولی، بر نابرابری درآمد در کشور تأثیر بیشتری دارند. این برتری بیشتر به دلیل تأثیر نوسان‌های درآمدهای نفتی بر تصمیم‌گیری‌های کلان مالی کشور است. ایران، در جایگاه کشور صادرکننده نفت، تحت تأثیر تغییرات درآمدهای نفتی، اغلب به اتخاذ سیاست‌های مالی انبساطی گرایش پیدا می‌کند. نتایج کلیدی این تحقیق به قرار زیر است:

الف) رابطه درآمد مالیاتی و ضریب جینی. نتایج نشان داد که افزایش درآمدهای مالیاتی بر بهبود توزیع درآمد تأثیر مستقیم و مثبتی دارد. این یافته نشان‌دهنده نقش کلیدی مالیات در تعدیل شکاف طبقاتی و کاهش نابرابری اقتصادی است. سیاست‌های مالی مناسب از طریق بازتوزیع منابع، شرایط زندگی اقشار کم‌درآمد را بهبود می‌بخشد. به‌ویژه، اصلاح نظام مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی راهبردهایی مؤثر برای تقویت عدالت اجتماعی است.

ب) رابطه درصد سود بانکی و ضریب جینی. تغییرات درصد سود یکی از ابزارهای سیاست پولی است و تأثیر معناداری بر ضریب جینی نداشت. این نتیجه نشان دهنده ضعف ابزارهای پولی در ایران برای ایجاد تغییرات ساختاری در توزیع درآمد است. به طور خاص، سیاست های پولی، از جمله تنظیم درصد سود، به دلیل محدودیت های اجرایی و ساختاری اقتصاد کشور، در کاهش نابرابری درآمدی ناکارآمد بوده است.

پ) غلبه سیاست مالی بر سیاست پولی. یافته های پژوهش حاکی از آن است که سیاست مالی بر سیاست پولی غلبه دارد. این موضوع به ویژه در اقتصادهایی پیش بینی پذیر است که به درآمدهای نفتی وابستگی شدید دارند. در این حالت، نوسان های درآمدهای نفتی، سیاستگذاران را به اتخاذ سیاست های مالی کوتاه مدت و انبساطی وادار می کند که آثار مثبت و منفی بر اقتصاد کشور خواهد داشت. در ایران، ضعف ابزارهای پولی مانند درصد سود بانکی و ناکارآمدی کلنال های انتقال سیاست پولی، تأثیرگذاری این ابزارها را در تعدیل نابرابری درآمدی کاهش می دهد.

ت) پیامدهای سیاست های پولی و مالی. بر اساس یافته های این مقاله، سیاست های مالی در بازتوزیع درآمد نقش مؤثرتری دارد. اخذ مالیات مناسب و کارآمد به کاهش قدرت خرید اقشار پردرآمد می انجامد؛ درعین حال با اختصاص درآمدهای مالیاتی به مخارج عمومی و انتقالی، سطح رفاه اقشار کم درآمد افزایش می یابد. در مقابل، سیاست های پولی مانند تغییرات درصد سود تأثیر قابل توجهی بر ضریب جینی نشان نداد، به طوری که نابرابری درآمدی به تغییرات درصد سود واکنش معناداری نداشت.

۶. پیشنهاد های کاربردی

الف) تقویت نظام مالیاتی. اصلاح ساختار مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی باید در اولویت سیاستگذاری ها قرار گیرد. این امر از طریق گسترش پایه های مالیاتی، ساده سازی قوانین مالیاتی، و مکانیزه کردن فرایندها تحقق می یابد.

ب) بازنگری در سیاست های پولی. با توجه به ضعف ابزارهای پولی در تأثیرگذاری بر نابرابری درآمد، بازنگری در اهداف و ابزارهای سیاست پولی ضروری است. سیاستگذاران باید به ایجاد مسیرهای مؤثرتر انتقال سیاست پولی و اصلاح ساختار بانک ها برای افزایش کارایی در اجرای این سیاست ها بپردازند.

پ) کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی. کاهش وابستگی به نوسان‌های درآمدهای نفتی و حرکت به سمت تنوع‌بخشی به منابع درآمدی دولت ثبات بیشتری در سیاست‌گذاری‌های مالی ایجاد می‌کند و به‌طور غیرمستقیم به بهبود عدالت اقتصادی می‌انجامد.

۷. جمع‌بندی

در این پژوهش نشان داده شد که ابزارهای مالیاتی، به‌واسطه تأثیر مستقیم بر منابع درآمدی دولت و بازتوزیع این منابع، در کاهش نابرابری درآمدی نقشی حیاتی ایفا می‌کند. اجرای سیاست‌های مالیاتی مؤثر، ضمن افزایش درآمدهای دولت، توزیع عادلانه‌تری از منابع اقتصادی را ممکن می‌سازد. در مقابل، ابزارهای پولی مانند درصد سود، به دلیل محدودیت‌های ساختاری موجود در اقتصاد ایران و ضعف در تأثیرگذاری مستقیم بر بخش‌های مولد، در بهبود عدالت توزیعی نقش محدودی دارد.

شرایط سیاست‌های پولی ایران تحت تحریم‌های غرب نیز نشان‌دهنده چالش‌های اساسی در دستیابی به اهداف توزیع عادلانه درآمد است. تحریم‌ها، با محدود کردن دسترسی به منابع ارزی و افزایش فشار بر نظام مالی، توان بانک مرکزی را برای اجرای سیاست‌های پولی کارآمد کاهش داده است. از سوی دیگر، نوسان‌های درصد ارز، تورم شدید و رشد نقدینگی، سیاست‌گذاران را به اتخاذ رویکردهای انقباضی یا تثبیتی سوق می‌دهد که در بسیاری از موارد، به ضرر عدالت توزیعی تمام شده است.

این نتایج حاکی از این است که تحریم‌های مالی به‌طور گسترده بر شاخص‌های کلان اقتصادی تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه بر متغیرهایی مانند سرمایه‌گذاری، صادرات و تولید ناخالص داخلی اثر منفی و کاهشی دارد. همچنین، این تحریم‌ها ممکن است باعث شود فشار بر بخش‌های مالی و ارزی کشور افزایش یابد.

در نهایت، دستیابی به توزیع عادلانه‌تر درآمد در اقتصاد ایران مستلزم تعامل مؤثر میان سیاست‌های پولی و مالی است. تدوین راهبردهای بلندمدت، با هدف کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، تقویت بخش‌های تولیدی و کاهش آثار منفی تحریم‌ها از الزام‌های حیاتی برای تقویت این دو حوزه و حرکت به‌سوی توسعه پایدار است. توجه به اصلاح ساختار اقتصادی و سیاست‌گذاری مبتنی بر عدالت گام‌هایی اساسی در راستای بهبود رفاه عمومی و کاهش نابرابری‌هاست.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

پیوست

- معادله VAR درآمد مالیاتی و ضریب جینی:

$$TAX = C(1,1)*TAX(-3) + C(1,2)*TAX(-6) + C(1,3)*GINI(-3) + C(1,4)*GINI(-6) + C(1,5)$$

با جایگذاری ضرایب موردنظر در معادله بالا، عبارت زیر به‌دست خواهد آمد.

$$TAX = -0.0925856874586*TAX(-3) - 0.197375268686*TAX(-6) - 1.46644102204*GINI(-3) - 0.000609664009489*GINI(-6) + 30.1693801438$$

- معادله VAR مربوط به ضریب جینی:

$$GINI = C(2,1)*TAX(-3) + C(2,2)*TAX(-6) + C(2,3)*GINI(-3) + C(2,4)*GINI(-6) + C(2,5)$$

با جایگذاری ضرایب موردنظر در معادله بالا، عبارت زیر به‌دست خواهد آمد.

$$GINI = -0.0812712637724*TAX(-3) - 0.0765792421772*TAX(-6) - 0.410001027425*GINI(-3) - 0.14980386964*GINI(-6) + 3.54103644275$$

- معادله VAR نرخ سود:

$$RATE = C(1,1)*RATE(-1) + C(1,2)*GINI(-1) + C(1,3)$$

با جایگذاری ضرایب موردنظر در معادله بالا، عبارت زیر به دست خواهد آمد.

$$RATE = -0.0559166079181 * RATE(-1) - 0.222723474452 * GINI(-1) + 2.60830943832$$

- معادله VAR مربوط به ضریب جینی:

$$GINI = C(2,1) * RATE(-1) + C(2,2) * GINI(-1) + C(2,3)$$

با جایگذاری ضرایب موردنظر در معادله بالا، عبارت زیر به دست خواهد آمد.

$$GINI = 0.0511992800627 * RATE(-1) - 0.146556178384 * GINI(-1) - 0.101166981015$$

منابع

- ابراهیمی سالاری ت. (۱۳۸۷). «رویکرد مقایسه‌ای ارتباط رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام». مجموعه مقالات نخستین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه. اردیبهشت، مشهد.
<https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1011367.pdf>
- برخورداری س، عبدی م، سلگی ص. (۱۳۹۷). «رابطه رشد درآمد سرانه، اعتبارات دریافتی خانوار و نابرابری درآمدی؛ مورد مطالعه: استان‌های ایران». پژوهشنامه اقتصادی. ۱۸(۶۹): ۱۰۷-۱۳۲. SID. <https://sid.ir/paper/513431/fa>
- تدین ف، شریفی‌رنانی ح. (۱۴۰۲). «تحلیل تأثیر سیاست پولی بر توزیع درآمد واقعی در اقتصاد ایران». دوفصلنامه علمی-تخصصی اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی. ۱۰(۲): ۶۲-۷۹. https://journals.iau.ir/article_709686.html
- جعفری م، عمادی س ج، رمضان‌پور ا. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر هم‌زمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران». اقتصاد کاربردی. ۱۱(۳۶): ۳۹-۵۱. SID. <https://sid.ir/paper/410401/fa>
- رجائی س م ک، فراهانی فرد س، مختاروند م. (۱۳۹۹). «بررسی نظری اثر ابزارهای سیاست پولی بر توزیع درآمد از دیدگاه اقتصاد اسلامی». اقتصاد اسلامی. ۱۰(۸۰): ۵۱-۸۰. https://eghtesad.iict.ac.ir/article_243087.html
- شرافت جهرمی م ن، نگین‌تاجی ز. (۱۳۸۹). «تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران». اقتصاد و الگوسازی. ۱(۲): ۱-۲۹. https://ecoj.sbu.ac.ir/article_57563.html
- شمس‌اللهی ر، زاهدغروی م، آسایش ح. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر بلندمدت نابرابری توزیع درآمد بر مخارج آموزشی دولت در اقتصاد ایران: شواهد جدید از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL)». اقتصاد باثبات. ۲(۴): ۱۳۶-۱۵۷. <https://doi.org/10.22111/sedj.2022.40438.1160>
- شهبازی غیائی م، نظریور م ن، فراهانی فرد س. (۱۳۹۷). «اهداف نهایی سیاست‌های پولی و طراحی تابع هدف مقام پولی؛ رهیافت اقتصاد اسلامی». اقتصاد اسلامی. ۱۸(۷۲): ۲۴۵-۲۷۰. SID. <https://sid.ir/paper/383497/fa>
- غفاری فرد م، میرزایی ه. (۱۴۰۰). «تأثیر انفاق بر توزیع درآمد در استان‌های مختلف ایران (رویکرد داده‌های تابلویی)». مطالعات اقتصاد اسلامی. ۱۳(۲): ۳۳۷-۳۷۰.

<https://doi.org/10.30497/ies.2021.75624>

ملاسمعیلی دهشیری ح، پژویان ج، غفاری ف، حسینی س.ش. (۱۴۰۱). «تحلیل اثر سیاست مالی (مالیات بر مجموع درآمد) بر توزیع درآمد کشورهای منتخب OECD». *اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)*. ۱۶(۵۸): ۹۳-۱۰۸. SID. <https://sid.ir/paper/960590/fa>

- Barkhordari S, Abdi M, Selgi S. (2018). "The relationship between per capita income growth, household credit receipts, and income inequality: A case study of Iranian Provinces". *Quarterly Journal of Economic Research*. 18(69): 107-132. <https://www.sid.ir/paper/513431/en>. [in Persian]
- Breinlich H, Leromain E, Novy D, Sampson T. (2019). "Exchange rates and consumer prices: Evidence from Brexit". Centre for Economic Performance (CEP). Discussion Paper 1667. <https://cep.lse.ac.uk/pubs/download/dp1667.pdf>.
- Ebrahimi Salari T. (2008). "A comparative approach to the relationship between growth and income distribution from an Islamic perspective". In the Proceedings of the *First Islamic Economics and Development Conference* (pp. 123-135). Mashhad: Islamic Economics Association. <https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1011367.pdf>. [in Persian]
- Ghafari Fard M, Mirzaei H. (2021). "The impact of Enfagh on income inequality in Iran (A panel data approach)". *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*. 13(2): 337-370. <https://doi.org/10.30497/ies.2021.75624>. [in Persian]
- Iddrisu A, Alagidede IP. (2020). "Revisiting interest rate and lending channels of monetary policy transmission in the light of theoretical prescriptions". *Central Bank Review*. 20: 183-192. <https://doi.org/10.1016/j.cbrev.2020.09.002>.
- Jafari SM, Emadi SJ, Ramazampour E. (2021). "Investigating the simultaneous impact of monetary and fiscal policies on income inequality in Iran". *Quarterly Journal of Applied Economics*. 11(36): 39-99. SID. <https://sid.ir/paper/410401/fa>. [in Persian]
- Kim S, Lim K. (2018). "Effects of monetary policy shocks on exchange rate in small open economies". *J. Macroecon*. 56: 324-339. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jmacro.2018.04.008>.
- Molaesmaeili Deheshiri H, Pejouyan J, Ghafari F, Hosseini SSH. (2022). "Analyzing the impact of financial policy (total income tax) on income distribution in selected OECD countries". *Financial Economics*. 16(58): 93-108. <https://www.sid.ir/paper/960590/fa>. [in Persian]
- Mujahidin M. (2019). "Monetary policy in perspective conventional economy and Islamic economics". *Munich Personal RePEc Archive*. Paper No. 94693. https://mpra.ub.uni-muenchen.de/94693/1/MPRA_paper_94693.pdf.
- Pesaran MH, Shin Y. (1998). "Generalized impulse response analysis in linear multivariate models". *Economics Letters*. 58: 17-29. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0165176597002140>.
- Rahmat Akbar Y, Zainal R, Novian N, Martin M. (2021). "Monetary and fiscal policy mix on the economy: Sharia perspective in literature review". Proceedings of the *6th Batusangkar International Conference*. BIC, October: 11-12. <https://eudl.eu/doi/10.4108/eai.11-10-2021.2319550>.
- Raji M, Farahanifard S, Mokhtarband M. (2021). "Theoretical study on the impact of monetary policy policy tools on income distribution from the perspective of Islamic economics". *Islamic Economics*. 20(80): 51-80. https://eghtesad.iict.ac.ir/article_243087.html. [in Persian]
- Shahbazi Ghiasi M, Nazarpour MN, Farahanifard S. (2019). "Monetary policy goals and monetary function objective; Islamic economics approach". *Islamic Economics*. 2019; 18(72): 245-270. <https://www.sid.ir/paper/383497/fa>. [in Persian]
- Shamsolahi R, Zahedgharavi M, Asayesh H. (2022). "The Effect of of Income

- Distribution Inequality on Government Education Expenditure in Iran's Economy: New Evidence from an ARDL Approach". *Stable Economy Journal*. 2(4): 136-157. <https://doi.org/10.22111/sedj.2022.40438.1160>. [in Persian]
- Sherafat MN, Negintaji Z. (2010). "The effect of macroeconomic policy on income distribution in Iran". *Journal of Macroeconomics*. 1(2): 1-29. https://ecoj.sbu.ac.ir/article_57563.html. [in Persian]
- Pitchay AA. (2022). "The effect of monetary policy on Islamic financial institution: A perspective of liquidity management. *Rafgo*. 2(2): 22-29. <https://akuntansi.pnp.ac.id/rafgo/index.php/RAFGO/article/view/23>.
- Soemitra A, Ismal R, Waqqosh A, Hasibuan HL, Pasarela H. (2021). "Analysis of Islamic monetary policy transmission on business sector and MSME performance". *Jurnal Ekonomi Manajemen Dan Bisnis*. 22(2). <https://doi.org/10.29103/e-mabis.v22i2.695>.
- Tadayyon F, Sharifi Renani H. (2023). "Analysis of the effect of monetary policy on the distribution of real income in the Iran's economy". *Scientific-Technical Quarterly of Economic Development and Planning*. 10(2): 62-79. https://journals.iau.ir/article_709686.html. [in Persian]